

تلاش برای پرده پوشی نقش آمریکا و اسرائیل در ادامه جنگ

باصطلاح "مانورها" با شرکت سپاه پاسداران و بسیج در شهرها می‌خواهد به شورای امنیت سازمان ملل متحد "فشار" وارد سازد تا به "شرایط" سران ج.ا. گردن گذارد.
این سیاست محکوم به شکست است. افکار عمومی در ایران و جهان را نمی‌توان با صحنه سازی‌هایی از قبیل "مانورهای داوطلبانه" فریب داد. مکانیسم اینگونه صحنه سازی‌ها در کشورهایی نظیر میهن استبدادزده ما بر احدی پوشیده نیست.
بقیه در ص ۶

قربانی این تجاوز شده " معرفی کرد. او گفت: " ما با توکل به فضل الهی و با وحدت و یکپارچگی این ملت که در مانورها و اعزام مشاهده شد، خودمان بدست خودمان متجاوز را تنبیه و سرکوب خواهیم کرد".
بخش اخیر سخنان خامنه‌ای، یعنی مسئله "مانورها و اعزام‌ها"، مضمون "سیاست جدید" رژیم را پس از تصویب قطعنامه ۵۸۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل می‌دهد. رژیم در واقع با براه انداختن

۲۰ آذرماه، خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه بار دیگر مسئله جنگ و علت آغاز آن و نیز شرط پایان دادن به خورنیزی میان دو کشور ایران و عراق را مطرح کرد. او این بار هم از طریق تحریف سیاست اتحاد شوروی در مورد جنگ دو کشور همسایه، امپریالیسم آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل را تبرئه کرد.
خامنه‌ای "تنها راه" متوقف کردن جنگ را "سرکوب و تنبیه و مقابله با متجاوز و حمایت از ج.ا." که



شماره ۱۸۶ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۱۰/۱۰
بها ۲۰ ریال

"موساد" هشدار میدهد!

ترتیب دادن توطئه‌های گوناگون علیه حزب توده ایران تنها جنبه داخلی ندارد، بلکه جزء برنامه کار "سیا" و "اینتلجنت سرویس" و "موساد" و از این قبیل دستگاه‌های جاسوسی نیز هست. اینها و ارتجاع داخلی در زمینه کمونیسم ستیزی - بویژه - همدستانند و به ساز یکدیگر می‌رقصند. زیرا می‌دانند که در صورت نیرو گرفتن کمونیستها منافع استراتژیکی‌شان به خطر می‌افتد.

امپریالیسم جهانی و زائده آن در منطقه، صهیونیسم اسرائیل، در جامعه ما بزرگترین دشمن خود را در چهره حزب توده ایران می‌بینند. زیرا تاکنون هیچ نیروی در داخل کشور به وسعت و پیگیری حزب ما از ماهیت تجاوزکار و استثمارگر و استثمارگر آنها پرده برنداشته است. بدون تردید در "لانه جاسوسی" امریکادر ایران و نیز در بایگانی‌های وزارت خارجه و ارگان‌های اطلاعاتی ج.ا. اسناد بسیاری وجود دارد که واقعیت مورد اشاره را اثبات می‌کند. ما بموقع خود، در شرایط مبارزه نیمه علنی، بارها بر انتشار این اسناد پافشاری کردیم، اما حاکمیت ج.ا. هیچگاه جرات نکرد که آنها را منتشر سازد، چراکه می‌دانست و می‌داند که با انتشار این اسناد، که همه آنها بیان کننده هراس امپریالیستها از حزب توده ایران است، اعتبار حزب در داخل جامعه افزون خواهد شد.
بقیه در ص ۶

رژیم خمینی نقض کننده اعلامیه جهانی حقوق بشر

صورت گرفت. برای پرده برداشتن از دعای بوج و سیمای کریه رژیم مجری "احکام الهی" بجاست با نقل برخی از مواد اعلامیه* حقوق بشر نشان دهیم حاکمیت که خواهان رعایت حقوق بشر در دیگر کشورها می‌شود، خود چگونه ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهای انسان را پایمال می‌کند.
اعلامیه* جهانی حقوق بشر می‌گوید: "هر کس حق زندگی، آزادی، و امنیت شخصی دارد" (ماده* ۲).

به جرئت می‌توان گفت که رژیم برای دگراندیشان هیچ حقی برای، زندگی قائل نیست و در جمهوری اسلامی جز کارگزاران و مسئولان و افسران و مثنی جیره‌خواران جان‌نثار رژیم که عمدتاً سرشته‌های اصلی امور دستگاه دیکتاتوری مذهبی حاکم را در دست دارند و به گونه‌ای افسارگسیخته آزادی و امنیت مردم را پایمال می‌کنند، کسی را نمی‌توان یافت که در فضای خفقان آمیز حاکم ذره‌ای احساس آزادی و امنیت کند. گذشته از کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران تحت حمایت رژیم، مردم میهن ما از هیچگونه امنیت جانی و مالی برخوردار نیستند. از سر نخس وجود رژیم، مردم در هر روز زندگی خود در معرض هزارتبر بلا هستند. در ایران، کدام انسانی را می‌توان بقیه در ص ۲

در آستانه* روز جهانی حقوق بشر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌ای را پیرامون نقض خشن حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از تصویب گذراند. رژیم نیز به اشکال گوناگون در پاسخ به این قطعنامه واکنش نشان داد. از جمله خویشی‌ها، دادستان کل کشور، طی مصاحبه‌ای اعلام داشت که "خواستهای حقوق بشر غیر منطقی است و بیش از یک میلیاردمسلمان در دنیا احکام الهی را قبول دارند...". (صدای ج.ا. ۲۰ آذر ماه ۶۶).
در روز ۱۹ آذر ماه، روز جهانی حقوق بشر، رژیم "ولایت فقیه" یعنی نقض کننده* قهار اعلامیه* حقوق بشر، در نقش پرچمدار حقوق بشر، جمعی از مزدوران وابسته به "مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق" را تحت عنوان "مهاجرین و معاودین عراقی مقیم ج.ا." به راهپیمایی و تحصن در مقابل دفتر سازمان ملل متحد در تهران کشاند و از زبان آنها خواهان "رسیدگی به وضعیت بیش از ۲۲۰ هزار از انقلابیون مسلمان عراقی که در زندانها و سیاهچالهای رژیم عراق بسر می‌برند" شد. برگزاری، این راهپیمایی دقیقاً در چارچوب تلاشهای رژیم برای انحراف افکار عمومی از مسئله* محکومیت جمهوری اسلامی، در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بعنوان نقض کننده* خشن حقوق بشر و معرفی حکومت ترور و خفقان ج.ا. بمثابه* "حامی حقوق بشر"

درباره

کنگره حزب کمونیست فرانسه

از ۶-۲۰ دسامبر، بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست فرانسه، زیر شعار "مبارزه، اتحاد و تقویت حزب کمونیست بخاطر عدالت، آزادی و صلح، راه آینده فرانسه" با شرکت بیش از ۱۸۰۰ نماینده برگزیده از اعضای حزب و ۱۱۶ فرستاده از ۸۸ کشور جهان - از جمله نمایندگان حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - در پاریس برگزار شد و با موفقیت بکار خود پایان داد.
رفیق ژرژ مارش، دبیر اول حزب کمونیست

درصحات بعد

فارش طولانی چین بسوی سوسیالیسم
در ص ۴

دو عامل عمده سقوط بهای نفت
در ص ۲

سهامداران "بنیاد نبوت" کیستند؟
در ص ۷

پیروزی مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم خمینی نقض کننده...

یافت که در شرایط ادامه جنگ ویرانگر، حکومت ترور و خفقان و بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی، تورم و گرانی سرسام آور، بیکاری چند میلیونی زحمتکشان، بی مسکنی، بی دارویی و انواع کاستی ها و کسبدها از امنیت شخصی و آزادی برخوردار باشد؟

اعلامیه* جهانی حقوق بشر تصریح می کند که: "احدی را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و بیابرخلاف انسانیت و شئون بشری... باشد" (ماده ۵).

حال آنکه رژیم "ولایت فقیه" به شکنجه تحت عنوان "حد و تعزیر" صورت قانونی داده است. در جمهوری اسلامی، بهترین و پاکترین فرزندان خلق بخاطر پایبندی به اندیشه های آزادیخواهانه و استقلال طلبانه و مردم دوستانه راهی شکنجه گاهها و دخمه های تنگ و تاریک سلولها می شوند و تحت وحشیانه ترین شکنجه های غیر انسانی قرار می گیرند. شلاق زدن، آویزان کردن، بی خوابی دادن، چشم بند و دستبند قهانی زدن، سوزاندن با اجاق برقی، کشیدن ناخن، تجاوز به زنان و... از جمله شکنجه های رایج در شکنجه گاههای رژیم "ولایت فقیه" است. کسی را نمی توان یافت که از بندهای دوزخی جمهوری اسلامی گذر کرده باشد و بر پیکر خود داغ و زخم شکنجه نداشته باشد. کم نیستند آزاد مردان و آزاد زنانی که در زیر شکنجه یادر اثر شکنجه جان خویش را از دست داده اند.

در اعلامیه* جهانی حقوق بشر می خوانیم: "احدی را نمی توان خودسرانه توقیف، حبس و یا تبعید کرد" (ماده ۹). حال آنکه تعقیب و پیگرد و بازداشت غیر قانونی دهها هزار تن از اعضا و هواداران احزاب و سازمانهای انقلابی و مترقی و بریدن زندانهای درازمدت، سالها بدون محاکمه یا پس از طی دوران محکومیت در زندان نگهداشتن و یا تبعید زندانیان به نقاط آب و هوا، عرصه دیگری از نقض اعلامیه* جهانی حقوق بشر در جمهوری اسلامی را بنمایش می گذارد.

اعلامیه* جهانی حقوق بشر تاکید می ورزد که: "احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد دخالتهای خودسرانه واقع شود" (ماده ۱۲). حال آنکه، در جمهوری اسلامی آنچه به هیچ گرفته می شود همانا حرمت حریم خانواده ها و زندگی خصوصی شهروندان است. در حال حاضر، در بلبشویی قانونی حاکم بر جامعه، بالقوه هر عنصر وابسته به یکی از نهادهای سرکوبگر، بسادگی قادر است از دیوار کوتاه "عدم دخالت امور خصوصی" شهروندان بگذرد و با زندگی و آینده* خانواده ها بازی شوم و تلخ فرجامی را آغاز کند. بازرسی پلیسی از منازل و اماکن کار، کنترل مکاتبات پستی و گفتگوهای تلفنی در مقیاس بسیار وسیع، مصادره های ناروای اموال نیروهای انقلابی و احضارها و بازداشتها غیر قانونی به دستاویزهای گوناگون و پیچ، یکی از پدیده های عادی زندگی مردم شده است.

مواد ۱۹ و ۲۰ اعلامیه* حقوق بشر، "آزادی عقیده و بیان" و "آزادی مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز" را حق مسلم افراد بشر می شمارد. حال آنکه سانسور، بکیر و ببند، فشار و سرکوب و

درباره کنگره حزب...

بحرانی کنونی اجرای برنامه حزب کمونیست فرانسه است.

دبیر اول حزب کمونیست فرانسه در سخنرانی خود، برای نشان دادن جلوه هایی از افزایش محبوبیت حزب در میان توده ها از جمله گفت که از اول ژانویه ۱۹۸۷ تاکنون ۴۵۰۰ تن به عضویت حزب درآمده اند. بر تعداد خوانندگان روزنامه "اومانیتته"، ارگان حزب، ۸۰۰۰ نفر افزوده شده و از فروش کتاب رفیق آندره لاژوانی (نامزد حزب برای انتخابات ریاست جمهوری آینده) بیش از ۱۰۰۰۰ فرانک کمک به حزب رسیده است.

رفیق ژرژ مارش در بخش دیگری از سخنرانی مفصل خود، تلاشهای پرامیت کشورهای سوسیالیستی و بیش از همه اتحاد شوروی در زمینه خلع سلاح و تشنج زدائی و ایجاد مناسبات بین المللی نوین را ستود. وی همچنین خاطر نشان ساخت که "در به روی فصل تازه ای از صلح گشوده شده است و جهان نوینی پیش روی ما شکل

منوعیت، دیگر کوچکترین جایی برای "آزادی عقیده و بیان" و "آزادی مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز" باقی نگذاشته است. تیغ سانسور چنان بر است که حتی به اعتراف کارگزاران جمهوری اسلامی کتاب اقتصاد مظهری نیز اجازه انتشار نمی یابد. در جمهوری اسلامی سالهاست که نه تنها احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک، نه تنها نیروها و شخصیت های صلح دوست و آزادیخواه آماج یورش وحشیانه قرار گرفته اند، بلکه تشکیل و فعالیت سازمانها و احزاب سیاسی و تشکلهای صنفی همانند اتحادیه ها و سندیکاهای ممنوع است.

اعلامیه* جهانی حقوق بشر می گوید: "هر کس حق دارد که در اداره* عمومی کشور خود خواه مستقیماً و خواه به واسطه نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند، شرکت جوید" (ماده ۲۱). حال آنکه در جمهوری اسلامی هیچ انتخابات آزادی برگزار نمی شود که مردم بتوانند در آنها آزادانه شرکت کنند و نمایندگان واقعی خود را برای شرکت "در اداره* عمومی کشور خود" برگزینند. برای روشن شدن قبح مسئله، باید گفت که در جمهوری اسلامی جز مثنی طرف تأیید "وزارت اطلاعات" و شورای نگهبان، هیچ دگراندیش - حتی پایبندان به اسلام - نمی توانند مثلاً خود را نامزد انتخابات در "شوراهای کار" یا مجلس کنند.

بموجب اعلامیه* حقوق بشر "هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود، با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها شرکت کند" (ماده ۲۲). حال آنکه در ج.ا. فقط صاحبان زور و زرمجانند که "تشکلهای صنفی" خود همانند "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن"، "سازمان اقتصاد اسلامی" را برپا کنند و کارگران و دیگر زحمتکشان از هر گونه حق تشکل مستقل و برپایی سندیکا و اتحادیه محروم شده اند. رژیم تنها آن تشکلهای صنفی را به رسمیت می شناسد که از نظر مردم هیچگونه قانونیتی ندارند.

حال از خواستهای "غیر منطقی حقوق بشر" و از آن "احکام الهی" که رژیم خمینی خود را مجری آنها می داند، می توان تصور روشنی داشت.

می گیرد. سوسیالیسم برتری خود را به نمایش گذاشته است."

دبیر اول حزب کمونیست فرانسه، پیرامون دگرگونسازی در اتحاد شوروی، موضع اصولی حزب را چنین بیان کرد: "در همه کنگره های پیشین، وضع در کشورهای سوسیالیستی در مرکز بحث های داغ قرار داشت. ما موضع اصولی زیر را تعیین کرده ایم: هر یک از خلق های کشورهایی که جامعه کشورهای سوسیالیستی را تشکیل می دهند، حق دارند تا راه دستیابی به این آماج (سوسیالیسم) را خود زاسا برگزینند و ما ذرصد دخالت در امور دیگران و البته درس آموزی به آنان نیستیم. در همان حال، ما با همه خلق هایی که راه ساختمان جامعه سوسیالیستی را در پیش بگیرند، همبستگی نشان خواهیم داد."

کنگره ضمن اتخاذ تصمیمات سازمانی گوناگون، از جمله اقدامات ضد حزبی ژوکن، که با ادعای "اصلاح حزب" و "کمک به احیای سنت های انقلابی در حزب" و "تأمین دمکراسی در حزب" و... انشعاب کرده بود، از سوی شرکت کنندگان در کنگره به اتفاق آراء محکوم شد. تنها یک تن به دفاع از ژوکن برخاست که تلویزیون فرانسه تنها سخنرانی او را پخش کرد!

کنگره قطعنامه های متعددی، از جمله قطعنامه ای درباره جنگ ایران و عراق از تصویب گذراند. در این قطعنامه خواسته شده است تا "دولت فرانسه سیاست مشخص و فعالی برای خاتمه جنگ ویرانگر و خانانوسوز ایران و عراق اتخاذ کند. باید برای جامه عمل پوشاندن به قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که به اتفاق آراء تصویب شده است گام برداشت. باید از هرگونه تشدید درگیری خودداری کرد". قطعنامه "خواستار قطع فروش اسلحه از سوی کشورها از جمله کشور فرانسه به هر دو طرف درگیر در جنگ" گردید.

در جریان برگزاری این کنگره، فعالیت نماینده حزب ما بسیار چشمگیر بود. او با هیئت های نمایندگی کشورهای مختلف، در بسیاری موارد بنابه درخواست آنها، دیدارهای پرباری انجام داد. در این دیدارها، اطلاعات جامعی از وضع حزب ما و اوضاع کنونی ایران در اختیار هیئت های نمایندگی کشورهای گوناگون قرار گرفت. نماینده حزب ما در محیطی سرشار از صمیمیت با نمایندگان حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست هلند، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست کلمبیا، حزب سوسیالیسم و ترقی مراکش، حزب دمکرات کردستان عراق، سازمان آزادیبخش فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست اسرائیل، حزب بحث سوریه، حزب انقلابی مردمی بنین، حزب کمونیست پاراگوئه و حزب کمونیست سودان دیدار داشت.

در این دیدارها قرارهایی برای تماس نزدیکتر و همکاری بیشتر با این احزاب در مسائل جهانی و همچنین ابراز همبستگی فزونتر با مبارزه مردم ایران در راه صلح و آزادی و ترقی اجتماعی گذاشته شد.

"مخفی بازی" با وصیت نامه

سیاسی برای چیست؟

مفته گذشته خمینی گروهی از مهره های مودراطمینان خود در حاکمیت را به جماران فراخواند و وصیت نامه جدیدی را در دوشنبه بدست آنان سپرد. خمینی از آنان خواست که یک نسخه از این وصیت نامه را در مجلس نگهداری کنند و نسخه دیگر را در آستان قدس رضوی مشهد. اودر عین حال دستور داد وصیت نامه سربه مهری را که ۵ سال پیش به دستشان سپرده بوده است هرچه زودتر بازگردانند.

در این گردهمایی معلوم شد خمینی در وصیت نامه سیاسی پیشین، که بنظور تعیین تکلیف مردم ایران پس از مرگش با سروصدای فراوان توسط "آقازاده خود"، به مجلس داده بود تجدید نظر کرده و مفاد آنرا تغییر داده است. به دیگر سخن، پیش بینی ها و سفارش های "پیامبرگونه" بینی از بوته آزمایش زمان سر بلند بیرون نیامده و او خود پس از بی بردن به آن خواسته است تا کار از کار نگذشته، اشتباهات قبلی خود را لوٹ کند که مبادا "قداستش" پس از مرگ خدشه دار شود.

این بار خمینی لقب "سیاسی- الهی" را برای وصیت نامه جدید خود برگزیده است تا وزن بیشتری به آن داده باشد.

تصور نمی کنیم بجز چند تن از روحانیون رقیب در هرم حاکمیت، کس دیگری کنجکاری چندانی برای آشنا شدن با متن وصیت نامه های خمینی داشته باشد. زیرا بیگمان در آن ها همان نظریات واپس گرایانه و پیش پا افتاده ای که همه روزه بر زبان می آورد و مثلاً در پیام "تاریخی" اودر آستانه مراسم حج امسال هم آمده بود، بنحوی دیگر تکرار شده است.

و اصولاً کسیکه در زمان حیاتش اینهمه به مردم ایران لطمه زده است، پس از مرگ چه چیز مهمی می تواند برای گفتن داشته باشد؟

شاید تنها انگیزه ای که برای "مخفی بازی" نوبتی بتوان یافت همانا سوءاستفاده از روحیه مرده پرستی است که او و اطرافیانش تبلیغ می کنند و همچنین سوءاستفاده از باورهای مذهبی مردم.

با اینهمه "مخفی بازی" کنونی و براه انداختن هیجان های کاذب درباره محتوای یک وصیت نامه، چیزی نیست که بتوان بسادگی از آن گذشت. برآستی اگر خمینی واقعا چیزی به عقلش می رسد که برای برون رفت از وضع بحرانی و دلخراش کنونی، که خود بطور عمده موجب پیدایش آن شده است، مورد استفاده پیروانش قرار گیرد، چرا حرف خود را مستقیماً بر زبان نمی آورد و آنرا در لافهای رازناک می پوشاند و "لاک و مهر" و "پلمب" شده به کاو صندوق های آهنین می سپارد؟

از این ها گذشته مگر ج.ا.ا. دارای قانون اساسی و نهادهای بقول خودشان جاافتاده سیاسی و اجتماعی و امنیتی و همچنین قوای مقننه و مجریه

دو عامل عمده سقوط بهای نفت

باید خاطر نشان ساخت که بهای اعلام شده* نفت معمولاً به دلار است و فروش نفت خام نیز بر اساس دلار محاسبه می شود. سقوط مستمر ارزش دلار در بازار جهانی تأثیر فلاکت باری بر درآمد نفت کشورهای صادرکننده دارد. مثلاً، کاهش بیش از ۵۰ درصد ارزش دلار در سالهای اخیر قدرت خرید درآمد نفت کشورهای عضو "اوپک" را به نصف تقلیل داده است. اول فوریه* سال ۱۹۸۷ میلادی "اوپک" بهای نفت خام سبک را ۱۸۱ دلار برای هر بشکه تعیین کرد. در حال حاضر این قیمت هیچگونه هماهنگی با وضع اقتصادی از آنجمله کاهش ارزش دلار و افزایش مصرف نفت ندارد. در سال جاری مصرف نفت فقط در ایالات متحده* آمریکا به ۲ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. طبق برآوردی، در ۲ تا ۲ سال آینده مصرف نفت صادره از کشورهای "اوپک" - افزایش خواهد یافت و تا آخر سده* حاضر این افزایش دو برابر خواهد شد. بنابراین نفت به مثابه* یک ماده* گران قیمت باقی می ماند و کشورهای عضو اوپک می بایست در درجه* اول استراتژی درازمدت خود را بر این اساس تعیین می کردند.

اما، چنانکه گفتیم، عوامل متعددی مانع از اتخاذ سیاست واحدی در "اوپک" می شود. ادامه* جنگ ایران و عراق و نیاز مبرم هر دو طرف به ارز خارجی، آنها را بسوی صدور هر چه بیشتر نفت خام سوق می دهد. گرچه هر دو رژیم در حال جنگ ظاهراً خواستار افزایش بهای* قیمت اعلام شده* نفت شده اند، اما خود آنها عامل عمده* سقوط بهای* نفت در بازار جهانی نیز هستند. هم سران ج.ا.ا. و هم سردمداران رژیم عراق اولاً* می کوشند تا بیش از سهمیه* تعیین شده نفت تولید کنند و ثانیاً با دادن تخفیفهای کلان، در مواردی ۲ تا ۳ دلار و بیشتر در هر بشکه، به منظور "بازاریابی" تیشه به ریشه* تصمیمات "اوپک" برای ایجاد ثبات در بازار نفت می زنند.

مشکینی رئیس مجلس خبرگان که در گردهمایی گفته شده نقش پامنبری را ایفا می کرد طی سخنانی کوتاهی گفت وصیت نامه ای که پنج سال پیش نوشته شده باشد، بر اثر سیر رویدادها و پیدایش مسائل تازه خودبخود نمی تواند دچار تغییراتی نشود و بازنویسی آنرا به حساب روشن بینی های "دایمانه" خمینی گذاشت. اما این مطالب را در حضور کسی می گفت که چندروز پیش از آن مدعی شده بود که "فقه سنتی" یکبار برای همیشه تمام مسائل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی همه جوامع بشری و حتی مد لباس زنان و مردان را، هم برای دیروز و امروز و فردا و هم تا "روز قیامت" حل و فصل کرده است!

معلوم نیست چرا خمینی که چند سال پیش مردم را از کمونیست ها بر حذر می داشت و می گفت اینها برای سی سال بعد برنامه ریزی می کنند خودش که از "امدادغیبی" هم برخوردار است نمی تواند حتی برای چندسال بعد آنطور که لازم است برنامه ریزی کند!

در گفتگوهایی که در این جلسه در مورد "پلمب"

بقیه در ص ۷

هشتاد و دومین کنفرانس ۱۲ عضو سازمان کشورهای صادر کننده* نفت، "اوپک"، که ۹ دسامبر در وین تشکیل شده بود، بدون اتخاذ تصمیم جدیدی پایان یافت.

دو موضوع، یعنی تعیین قیمت جدید و نیز سهمیه بندی مجدد تولید نفت خام در دستور روز کنفرانس قرار داشت. کمیته* تعیین قیمت که در اجلاسیه* قبلی کشورهای عضو "اوپک" تشکیل شده بود نتوانست پیشنهاد مورد توافق را تنظیم کند و ارائه دهد. علاوه بر اینکه نظر واحدی در "اوپک" پیرامون بهای* نفت و سهمیه بندی تولید وجود ندارد، اصولاً "اوپک" فاقد سیاست واحد و استراتژی درازمدت است. نباید از نظر دور داشت که ادامه* جنگ ایران و عراق نیز تأثیر زیادی در وجود اختلاف نظر میان کشورهای عربی عضو "اوپک" از سوئی و ج.ا.ا. از سوی دیگر داشته و دارد. جنگ ایران و عراق نقش مهمی در تضعیف "اوپک" داشت. کشورهای کرانه* خلیج فارس بخش اعظم ذخائر نفت "اوپک" را که بیش از ۶۵ درصد ذخائر جهان سرمایه داری است، تحت نظارت دارند. به همین سبب اختلاف میان آنها خواه ناخواه به تضعیف مجموعه* "اوپک" منجر می گردد. البته نباید نقش امپریالیسم جهانی در این مورد را نیز بدست فراموشی سپرد. دولت های امپریالیستی از بدو تشکیل "اوپک" مبارزه با آن را برای لحظه ای متوقف نکرده اند. ادامه* جنگ ایران و عراق به اعضا* پیمان تجارزکار "ناٹو" امکان آن را داد تا نیروهای نظامی خود را در منطقه* خلیج فارس، یعنی نزدیک منابع عظیم نفت متمرکز سازند. ادامه* جنگ همچنین دو کشور ایران و عراق را با مشکلات عظیم اقتصادی و مالی روبرو ساخته است. رژیم های هر دو کشور نیاز مبرم به ارز خارجی برای تأمین هزینه های کمر شکن جنگ دارند. هم رژیم ج.ا.ا. و هم رژیم عراق خواهان افزایش بهای* اعلان شده* نفت از سوی "اوپک" بودند.

و قضائیه و حتی مجلس دائمی خبرگان نیست؟ آیا در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده است که سرنوشت مملکت باید بر پایه وصیت نامه سیاسی "ولی فقیه" تعیین گردد؟ آیا این کارها به معنای زیر پا گذاشتن قانون اساسی خودشان توسط خودشان نیست؟

پاسخ همه این پرسش ها معلوم است. نظام "ولایت فقیه" اصولاً اعتقادی به نهادها و قوانین ندارد و می خواهد مسائل را به شیوه سنتی مذهبی حل کند. ضمناً برای مردم این نکته نیز جالب توجه است که بدانند خمینی در وصیت نامه قبلی خود چه سفارش های نادرستی را کرده که اینک می کوشد بی سوسدا آنها را ماست مالی کند؟

بنظر می رسد آقای خمینی از این وحشت دارد که مردم ایران با وصایایی که پنج سال پیش بمثابه "وحی منزل" برای دوران پس از مرگ گذاشته و خودش پیش از مرگ به بی ارزش بودن آنها پی برده آشنا شوند و سیمای واقعی "رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران" را بشناسند.

مارش طولانی چین بسوی سوسیالیسم

یکی از نکاتی که در گزارش ژائوزیانگ به سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چین جلب توجه می‌کرد و برای تکامل آتی سوسیالیسم در این کشور دارای اهمیت سترگ و حیاتی است، فرمولبندی تئوری مرحله آغازین سوسیالیسم در این کشور است.

این تئوری همخوان با مناسبات ویژه حاکم بر این کشور تدوین شده است. ژائوزیانگ، در گزارش خود به کنگره، خاطر نشان ساخت که سرآغاز ساختمان سوسیالیسم در چین نمی‌توانست بالاترین مرحله رشد سرمایه‌داری باشد. برخلاف دیگر کشورهای سوسیالیستی، چین پیش از پیروزی انقلاب، کشوری نیمه‌مستعمره و نیمه‌فئودالی بود. چین با از سر گذراندن انقلاب دمکراتیک نوین، که تحت رهبری حزب کمونیست چین به پیروزی رسید، مستقیماً وارد مرحله سوسیالیستی شد و از مرحله رشد و تکامل سرمایه‌داری طفره رفت. شرایط موجود در آن زمان را می‌توان چنین ترسیم کرد: شالوده ضعیف صنعتی، نیروهای مولده عقب مانده و اقتصاد کالایی رشد نیافته. از آنجایی که مسئله صنعتی کردن، گسترش مبادله کالایی، اجتماعی و مدرنیزه کردن تولید در دیگر کشورها در مرحله سرمایه‌داری انجام می‌گیرد و در چین هنوز باید تحقق یابد، مرحله آغازین سوسیالیسم در این کشور مدت مدیدی بطول خواهد کشید.

از زمان بنیانگذاری جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ نیروهای مولده اجتماعی بطور محسوسی تکامل یافته‌اند، اما هنوز با کشورهای پیشرفته قابل قیاس نیستند. اگرچه تولید ناخالص ملی در چین، در کل جهان مقام هشتم را دارد، اما در رابطه با ارزش تولید سرانه چین از بیش از صد کشور جهان عقب مانده است. محصول کل غله در چین بیش از همه کشورهای جهان است، اما به نسبت تعداد جمعیت، یک پنجم تولید سرانه غله در ایالات متحده امریکا است. اگرچه تولید انبوه صنعتی رشد سریعی داشته است، اما حجم کل اقتصاد صنعتی بلا تغییر مانده است. بیش از ۶۰٪ نیروی کار، در رشته کشاورزی مشغول بکارند. اقتصاد روستایی هنوز به مرحله تولید کالایی وسیع و اجتماعی شدن نرسیده است. میزان غله‌ای که در بازار به فروش می‌رسد، به ندرت به ۲۰٪ می‌رسد. اگرچه در برخی از رشته‌های علوم، چین به سطح جهانی رسیده، اما سطح متوسط علمی - فنی بسیار عقب مانده‌تر از کشورهای پیشرفته است. یک چهارم جمعیت چین بیسواد و یا نیمه بیسواد هستند. چین نمی‌تواند از امروز به فردا نیروهای مولده خود را به سطح کشورهای پیشرفته برساند. نباید فراموش کرد که این کشورها برای رساندن نیروهای مولده خود به سطح امروزی صدها سال کار کرده‌اند. چین بنا به پیش بینی‌های انجام شده، اواسط سده آینده به سطح یک کشور پیشرفته با رشد متوسط خواهد رسید. مرحله آغازین سوسیالیسم در چین که در اواسط

سال‌های پنجاه سده کنونی، هنگامی که چین دگرگونی سوسیالیستی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را به پایان رساند، آغاز شده بود، تا اواسط سده آینده بطول خواهد کشید.

حزب کمونیست چین پس از آنکه تمام تجربه‌های منفی و مثبت دوران ساختمان سوسیالیسم را اندوخت و اثرات مخرب "چپ" روی‌ها را آموخت، توانست به تئوری مرحله آغازین سوسیالیسم دست یابد. در بیست و یک سالگی که از ۱۹۵۷ گذشت، حزب در کار بنای سوسیالیسم این اشتباه چپ‌روانه را مرتکب شد که رشد نیروهای مولده را بمثابه وظیفه عمده فراموش کرد و "مبارزه طبقاتی" را حلقه اصلی زنجیره بشمار آورد. در بازسازی اقتصادی به قانونمندی‌ها توجهی نداشت و می‌کوشید، از راه‌هایی مانند "جهش بزرگ" به کشورهای پیشرفته رسیده و از آنان سبقت بگیرد. کمون‌های خلقی که ایجاد شد، میزان مالکیت عمومی را افزایش داد، ولی شیوه‌های توزیع آن به یکسان سازی مطلق انجامید.

اقدامات سیاسی بسیاری که رشد و تکامل اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی مردم را ممکن می‌ساختند، بمثابه شیوه‌های "سرمایه‌داری" و "روزیونیستی" رد شدند و بجای آن برخی اقدامات که بظاهر بسیار انقلابی، اما در واقع امر غیر واقع بینانه و برای انقلاب زیانمند بود، انجام شد. "انقلاب فرهنگی" اوج این اشتباهات بود.

یکی از دلایل مهم این اشتباهات "چپ‌روانه" در کنار اندیشه‌های راهنمای نادرست آن بود که مناسبات واقعاً موجود در چین، یعنی فقر و عقب ماندگی، در نظر گرفته نمی‌شد و مرحله طولانی آغازین سوسیالیسم تشخیص داده نمی‌شد. پس از سومین پلنوم یازدهمین کمیته مرکزی حزب که در سال ۱۹۷۸ برگزار شد، تصحیح این اشتباهات آغاز شد.

در "قطعنامه پیرامون برخی مسایل تاریخ حزب کمونیست چین از سال ۱۹۴۹ به این سو" که در سال ۱۹۸۱ تصویب شد، برای اولین بار، تئوری قرار داشتن چین در مرحله آغازین سوسیالیسم مطرح شد. در "مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره اصول راهنمای ساختمان تمدن معنوی سوسیالیستی" در سال ۱۹۸۶ این تئوری دوباره مورد تاکید قرار گرفت. از آنجایی که چین در مرحله آغازین سوسیالیسم قرار دارد، رشد و تکامل نیروهای مولده وظیفه مرکزی در نظر گرفته می‌شود و ساختارهای متحجر اصلاح می‌گردند، مناسبات با خارج گسترش می‌یابد و دانش و فن مدرن و شیوه‌های اداری خارجی معمول می‌گردد.

برای رشد و تکامل نیروهای مولده، در مرحله آغازین سوسیالیسم، اشکال مختلف مالکیت مجاز شده می‌شود. در کنار مالکیت عمومی بمثابه شکل اصلی، مالکیت فردی، خصوصی، شرکت‌های

مختلط چینی - خارجی و شرکت‌های با سرمایه‌های خارجی اجازه فعالیت می‌یابند.

در توزیع نعم مادی، دیگر یکسان سازی مطلق عمل نخواهد شد، بلکه عمدتاً اصل "به هر کس به اندازه کارش" معمول خواهد گشت.

در مرحله آغازین باید سیاست دمکراتیک اعمال گردد و تمدن معنوی ایجاد شود، راه نفوذ و تاثیر اندیشه‌های فاسد فئودالی و بورژوازی گرفته شود و سطح دانش و فرهنگ مردم ارتقاء یابد.

بسیاری از اعضای حزب کمونیست چین از مشی و سیاست کنونی حزب پشتیبانی می‌کنند، به سوسیالیسم وفادارند و اصلاحات و گسترش مناسبات با خارج را تایید می‌کنند. عده کمی هنوز به بینش متحجر چسبیده و یا با سوسیالیسم مخالفند. اشتباهات معرفتی هراز چند گاهی بروز می‌کند. برخی‌ها هنوز نتوانسته‌اند خود را از اندیشه‌های "چپ‌روانه" رها کنند، و این امر سبب آن شده است که نتوانند تکامل و اصلاحات را دنبال کنند. عده دیگری اما کاملاً از اصول بنیادی مارکسیسم روی برگردانده و "راهی اندیشه" را تبلیغ می‌کنند. تمام این موارد تحقق مشی حزب را مختل و دشواری‌سازد.

در گزارش به کنگره، تئوری قراردادن چین در مرحله آغازین سوسیالیسم از دو نکته تشکیل شده است. ۱ - جامعه چین سوسیالیستی است، بدین خاطر باید به سوسیالیسم وفادار ماند و از آن منحرف نشد. ۲ - جامعه چین در مرحله آغازین سوسیالیسم قرار دارد، باید از این واقعیت حرکت کرد و نباید جهش از این مرحله را آزمود. تحت شرایط مشخص تاریخی چین معاصر، عدم تشخیص آنکه خلق چین می‌تواند راه سوسیالیسم را بدون طی کردن مرحله تکامل کامل سرمایه‌داری، ببیماید، تئوری مکانیکی پیرامون تکامل انقلابی و یکی از دلایل مهم اشتباهات راست‌روانه معرفتی است. این برداشت که بدون تکامل عظیم نیروهای مولده نمی‌توان از مرحله آغازین سوسیالیسم جهید، یک تئوری تخیلی پیرامون تکامل انقلابی و یکی از دلایل مهم اشتباهات چپ‌روانه معرفتی است. این توضیحات در کنگره سیزدهم حزب کمونیست چین، باید به یکسان کردن درک اوضاع در حزب و ارتقاء آن یاری رساند، از اختلالات "چپ" و راست جلوگیری نماید و آگاهی را برای جامعه عمل پوشاندن به مشی مشخص تقویت کند.

تئوری بمثابه جمع بندی تمام تجربه‌های عملی بر پراتیک تاثیر می‌گذارد. توضیحات پیرامون مرحله آغازین سوسیالیسم در چین در کنگره سیزدهم نشان داد که حزب دارای تجارب غنی است و مجموعاً پخته‌تر شده است. مطمئناً حزب کمونیست چین با الهام از کنگره سیزدهم حزب و مردم این کشور با اطمینان مارش آغاز شده بسوی سوسیالیسم را ادامه خواهد داد.

اقتباس از منابع جمهوری خلق چین

خبرهای کوتاه

* کارخانه "ونیکا"، سازنده نوله‌های پلاستیکی در مشهد - کیلومتر ۲۰ جاده "فرچان تعطیل شده است و کارگران با سابقه آن با دریافت فقط صد هزار تومان باز خرید می‌شوند.

* در پی کاهش ساعات کار "توشیبا"ی رشت از ۸ به ۶/۵ ساعت، غذای گرم کارگران قطع شد. گفته می‌شود که جیره غذای کارگران برای سپاه پاسداران فرستاده می‌شود.

* ۲۰ نفر از کارگران "پوش" رشت بدون هیچ دلیلی بتدریج اخراج شدند. کارگران می‌گویند در این واحد به هیچ وجه امنیت شغلی وجود ندارد.

* در انتخابات "هیئت تشخیص صلاحیت" در "پوش" کسی سر از صندوق درآورد که کارگران اورانمی شناختند.

* برگه‌های طرح باز خرید کارگران و کارمندان شرکت لوله و پروفیل سازی ایران (سینتا) بین پرسنل این شرکت توزیع شد. این امر با ناراضی کارگران روبرو شد و در مراجعه به مدیریت کارخانه اعتراض خود را اعلام داشتند. مدیریت گفته است که بدهی این شرکت حدود پانصد میلیون تومان است. علاوه بر این مواد اولیه نیز نداریم. لذا راهی جز باز خرید کارکنان و بستن کارخانه وجود ندارد. درگیری در "سینتا" ادامه دارد.

* با افزایش نرخ باز خرید حدود ۱۰۰ نفر از کارگران "ایران تایر" را بی سر و صدا باز خرید کردند.

* موج کم کاری در کارخانه‌های اتومبیل سازی بالا گرفته است. مدیر عامل یکی از این کارخانه‌ها می‌گفت، تنها کارگران قرار دادی هستند که از ترس از دست دادن کار کم و بیش کار می‌کنند. در بین کارگران رسمی صحبت بر سر این است که تا هنگامی که خواستهای صنفی آنها برآورده نشود کم کاری ادامه خواهد داشت. مدیر عامل مذکور می‌گفت این شیوه برخورد کارگران ما را مستأصل کرده است.

سهامداران..

مورد نظر برای "فراه آوردن آینده سیاسی" سبب ساز نگرانی آقای وزیر شده است، نه حیف و میل "بیت المال". وانگهی، سران ج.ا. خود در ایجاد این پایگاه‌های اقتصادی برای "گروه‌ها" و عناصر سیاسی "مورداشاره وزیر امور اقتصادی و دارائی و نیز وابستگان جناح‌های گوناگون حاکمیت (با هر دلیلی) از کیسه زحمتکشانش نقش اساسی دارند. در این راستا، بطور مثال از واگذاری سهام کارخانه "استارلایت" به بنیاد الهادی و سهام بسیاری از کارخانه‌های دیگر به برخی موسسات و مدارس مذهبی و حوزه‌های علمیه و غیره می‌توان نام برد. بدینسان حاصل عرق جبین کارگران و زحمتکشانشان نصیب نیروهای می‌شود که هدفی جز رسیدن به سودهای سرشار و دنبال کردن هدف‌های ارتجاعی ندارند. این شکفت نیست. از رژیم که با شتاب راه خیانت به توده‌های محروم را می‌پیماید، جز این‌ها منتظاری نمی‌رود.

سزای شنیدن نوار

* صاحب یکی از تولیدی‌های پوشاک، در پاساژی واقع در چهار راه امیر اکرم، بجرم شنیدن نوار موسیقی به ۲۷ ضربه شلاق محکوم شد. وی این ۲۷ ضربه را به ۱۵ هزار تومان خرید. قضیه این بود که مأموران کمیته ناگهان سر رسیدند و دیدند که صاحب تولیدی، کارگران و وردست‌ها در حال کار موسیقی گوش می‌کنند. کمیته‌چی‌ها که این گناه کبیره را نمی‌توانستند تحمل کنند با فحش و بد و بیراه نوارها را ضبط کردند، ضبط استریوی تولیدی را با چوب شکستند و صاحب آن را به "منکرات" بردند. پس از چند ساعت سه راه به صاحب تولیدی پیشنهاد شد. بسته شدن کارخانه به مدت دو هفته و پلمب شدن آن، ۲۷ ضربه شلاق و یا ۱۵ هزار تومان جریمه نقدی. او راه سوم را انتخاب کرد و از مهلکه چنت.

بیماری روانی،

پس از بازگشت از جبهه

چندی پیش، هنگامی که کارگر یکی از کارخانه‌های جاده کرج از جبهه بازگشت، همسرش خوشحال از بازگشت او برای خرید نان از خانه بیرون رفت و وقتی بازگشت متوجه شد که شوهرش بالش را روی دهان بیچه خردسالش نهاده و روی آن نشسته و با خونسردی ناظر دست و پا زدن و جان دادن بیچه است. زن نگون بخت با داد و فریاد همسایه‌ها را به کمک طلبید و بیچه‌اش را نجات داد. سپس کارگر یاد شده به بیمارستان روانی منتقل شد. بیماری‌های روانی در میان تعداد قابل توجهی از کسانی که از جبهه بازمی‌گردند دیده می‌شود و به اشکال مختلف تظاهر می‌یابد.

کارگر سرگردان

* یک کارگر ساختمانی سرامیک و کاشی کار می‌گوید:

برای کار به بیمارستان "شفای حیثیات" رفته بودم. دیدم در یک گوشه سر و صداست. نزدیک رفتم و دیدم که چند نفر از مسئولان بیمارستان با یکی از کارگرانی که او را می‌شناختم درگیری دارند. چند نامه در دست کارگر وجود داشت. جلوتر رفتم و پس از احوالپرسی جوابی ناچراشدم، او گفت: "در نتیجه انجام کارهای سنگین مهره‌های کمرم فاصله پیدا کرده است. دو سال است که قادر به کار نیستم. چون از عهده مخارج زندگی در تهران بر نمی‌آیدم مدتی به اردبیل رفتم. اما نتوانستم در آنجا بمانم. دوباره دست زن و بیچه‌ام را گرفتم و به تهران آمدم. ۸ ماه است که از ستون فقراتم عکسهای مختلف گرفته‌اند و تا حالا بیشتر از ۵۰ هزار تومان زیر بار قرض رفته‌ام. ۵ بیچه کوچک دارم. بهر کجا که می‌روم فقط پول را می‌شناسند. کارهای ساختمانی هم که خوابیده، و گرنه با همین کم‌نقص حاضرم از جانم مایه بگذارم و نان بخورم نمیری در بهارم. این بیمارستان هم مرا جواب کرده. همه‌شان آدم راه‌پاس می‌دهند... کارگر آشنای من دیگر به سخنانش ادامه نداد و صدای حق و صدای حق گریه‌اش در بیمارستان پیچید.



از کارخانه‌ها، زندگی و رزم کارگران

کارگران بنز خاور در آستانه اخراج

بدستور مدیریت کارخانه بنز خاور برگ تسویه حساب (کامپیوتری) در میان کارکنان این واحد پخش شده است. این واحد در نظر دارد که برای جبران "زیان" حدود هزار تن از کارگران و کارمندان را - که اکثریت آنان با کارگران است - اخراج کند. اما برای آنکه مشخص نشود چه کسانی مشمول اخراج می‌شوند برگ تسویه حساب را در اختیار همه کارکنان گذاشته است. از مدتی پیش در این واحد سطح تولید پایین آمده و ساعات کار کاهش یافته است. کارگران حقوق کامل خود را دریافت می‌کنند و مدیریت مقرر کرده است که در آینده، چنانچه سطح تولید بالا رفت، در مقابل ساعات کار سوخت شده اضافه کاری مجانی کنند. اما بسیاری از کارگران عقیده دارند که به این زودی‌ها امید بالا رفتن سطح تولید نمی‌رود و ممکن است کار به اخراج آنها بکشد.

اعتصاب در مقره سازی

خرید مقره از ژاپن توسط دولت ج.ا. بازار فروش فرآورده‌های کارخانه مقره سازی، در شهر صنعتی ساوه، را کساد کرده و خطر تعطیل آن را افزایش داده است. اواخر خردادماه، در این واحد بر سر اجرای درست طرح طبقه بندی مشاغل، پس از ماه‌ها کشمکش بین کارگران و مسئولان، اعتصاب شد. مسئولان اداره کار سابق، مدیر کل شهر صنعتی و مدیر عامل کارخانه مقره سازی جلسه‌ای تشکیل دادند و کوشیدند تا با تهدید کارگران را وادار به عقب نشینی کنند. اما کارگران از خواست‌های خود عدول نکردند، در نتیجه مدیریت کارخانه چاره‌ای جز تسلیم ندید. مقره سازی دارای ۸۰۰ نفر کارگر است.

کارگران "نپتون الکتریک"

موفق شدند

قطع پول نهار و اضافه کردن یک ساعت به مدت روز کار موجب اعتراض شدید در "نپتون الکتریک" گردید. تلاش مدیریت برای ادامه وضع، از نظر پول نهار و اضافه شدن ساعات کار، به نتیجه نرسید و در اثر پیگیری کارگران یک ساعت اضافه شده کسر گردید و مقرر شد که روزانه دو دست ریال بابت پول نهار پرداخت گردد.

تلاش برای پرده پوشی...

اما معنای "توکل به فضل الهی" برای کسب پیروزی در جنگ مورد توجه خامنه ای نیز روشن است. "فضل الهی" در مورد مشخص ادامه "جنگ جز دسترسی آشکار و پنهان ج.ا. به تجهیزات نظامی انحصارهای اسلحه سازی آمریکا و دیگر کشورهای عضو "ناتو"، با پا در میانی قاچاقچیان بین المللی نبوده و نیست. اکنون دیگر همه می دانند که اگر "کمک" انحصارهای اسلحه سازی آمریکا و اسرائیل و فرانسه و انگلستان و آلمان غربی و ایتالیا و سوئد و غیره نبوده، ج.ا. نمی توانست به جنگ ویرانگر ادامه دهد.

آری، بدون موشکهای زمین به هوا، زمین به زمین و موشکهای ضد تانک ساخت آمریکا که توسط اسرائیل به دو تا سه برابر قیمت به ج.ا. فروخته می شود، بدون صدور جت های جنگنده "آمریکائی از طریق اسرائیل و ترکیه، بدون صدور قایق های تندرو و دیگر تجهیزات نظامی سوئدی به ایران، بدون فروش موتورهای تانک انگلیسی و مواد منفجره و کلوله های توپ ساخت فرانسه و مین های ساخت ایتالیا به ج.ا. رژیم جرأت نمی کرد شعار "جنگ - جنگ تا پیروزی" خواست آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل را بردهد.

"توکل به فضل الهی" در قاموس سران مرتجع ج.ا. یعنی تکیه بر امپریالیسم. سرمداران رژیم بارها نشان داده اند که چگونه سیاست آنها با هدفهای استراتژیک - سیاسی امپریالیسم در منطقه هسانی آشکار دارد.

خامنه ای بهتر از هر کسی می داند که جنگ ایران و عراق محصول توطئه "واشنگتن" و "تل آویو" است. بدون تردید میان دو کشور ایران و عراق اختلافهای ریشه دار تاریخی از گذشته دور وجود داشته است. اما این اختلافها هیچگاه منجر به جنگ در دوران اخیر نگردید. پس از انقلاب بهمین "واشنگتن" و "تل آویو" با استفاده از فرصت و دامن زدن به اختلافها، آتش جنگ میان دو کشور همسایه را برافروختند و تا به امروز کوشیده اند از خاموش شدن آن جلوگیری کنند.

آنچه در این رهگذر جلب توجه می کند تلاشهای امپریالیسم آمریکا و صهیونیستهای اسرائیل در جهت پنهان کردن هدفهای جنگ افروزانه خود در ایران و عراق و کشاندن آن به سراسر منطقه است. در این باره اظهارات ریچارد مورفی، دستیار وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا در امور خاورمیانه و نوشته "روزنامه" اسرائیلی "هاآرتس" که هر دو از یک منبع تغذیه می کنند، جالب است. هم مورفی و هم روزنامه اسرائیلی خود را طرفدار دو آتشه پایان جنگ ایران و عراق می دانند و مدعی هستند که گویا اتحاد شوروی مانع دستیابی به این هدف است. و این ادعای سالوسانه وقتی مطرح می شود که مرکب افشاگریهای ماجرای "ایران - کیت" پیرامون فروش سلاحهای مدرن آمریکائی توسط اسرائیل به ج.ا. و نیز دادن

اطلاعات نظامی به هر دو طرف در حال جنگ از جانب "سیا" خشک نشده است.

ایالات متحده آمریکا که با تمرکز نیروی دریائی عظیم در خلیج فارس می کوشد با کمک متحدان خود در "ناتو" دامنه جنگ را به دیگر کشورهای منطقه بکشاند، چگونه می تواند خود را طرفدار پایان جنگ بخواند؟

طبق اخبار رسانه های گروهی جهان فقط دولت کویت روزانه ۱/۲ میلیون دلار بابت "تأمین آزادی کشتیرانی" به دولت آمریکا می پردازد، گرچه هر روز با مشکلات جدیدی روبرو می شود. هم اکنون ما ناظر صحنه سازی ویژه ای در خلیج فارس هستیم: دولت آمریکا ناوهای جنگی، ناوچه های تندرو و سکوی نفتی ایران را نابود می کند و ج.ا. علیرغم هیاهوهای که برآه می اندازد و چون نمی خواهد با نیروهای مسلح آمریکا درگیر شود، کویت را آماج موشکهای زمین به زمین قرار می دهد و نیز یکی پس از دیگری نفتکش های حامل پرچم قبرس و یونان و سنکاپور (نه آمریکا و انگلستان و غیره) را به آتش می کشد.

"موساد" هشدار...

هنوز چندی از یورش های گسترده به صفوف حزب سپری نشده بود که معلوم شد این یورش ها با همکاری "سیا" و "اینتلجنس سرویس" و ج.ا. سازمان یافته است، درست به همانگونه که در جریان کودتای ۲۸ مرداد این دستگاه ها با کمک رژیم پهلوی توطئه خونین علیه جنبش و در رأس آن حزب را سازمان دادند. حلات بی دریبی رژیم ج.ا. در سال های ۶۱ و ۶۲، اگرچه خون زیادی از پیکر حزب گرفت، اما برخلاف تهمت ها و صحنه سازی ها و پیش بینی های سفیهانه خمینی و پیروانش نتوانست به نابودی حزب بیانجامد. حزب با تن خورنیز از جا برخاست، توانست نیروهایش را سازمان بدهد و متناسب با شرایط مبارزه اش را پی بگیرد و بدینسان توطئه مشترک امپریالیسم و ارتجاع داخلی به ناکامی انجامید. بی دلیل نبود که رئیس پیشین "سازمان اطلاعات خارجی فرانسه" در مصاحبه ای که ترجمه آن در "کیهان" - چاپ لندن (۱۰ دی ۶۵) انتشار یافت، نگرانی خود را ابراز داشت و گفت: "آیت الله (خمینی) در حال پهن کردن رختخواب حزب توده (ایران) است". مقام یاد شده خوب می داند که رژیم خمینی نتوانسته است پاسخگوی خواست توده ها باشد و "عکس العمل کوردلی خمینیس (را) ... کمونیست های ایران رهبری و هدایت خواهند کرد".

امروز نیز "راديو اسرائیل"، سخنگوی "موساد"، در بخش فارسی خود موزیانه به پخش خبرهایی درباره فعالیت حزب ما در داخل کشور

آیا می توان همه این حوادث را تصادفی تلقی کرد؟ البته نه! رژیم خمینی طبق یک سیاست حساب شده عمل می کند. رسانه های گروهی جهان مدتهاست از مذاکرات پنهانی میان مقامات رسمی ج.ا. با دولت آمریکا خبر می دهند. ملاقاتها و مذاکرات سری و معامله پنهانی اسلحه میان تهران و واشنگتن، بدون تردید با هدف ادامه جنگ انجام می شود.

نه تبلیغات میان تپی و عوامفریبانه رژیم، بویژه شعارهای باصطلاح ضد آمریکائی آن و نه تلاش های مذبوحانه "واشنگتن" و "تل آویو" نمی توانند افکار عمومی مردم ایران را از آتش افروزان جنگ، مسبب کشتار و ویرانی، منحرف سازند. برای پایان دادن به جنگ خانمانسوز باید مبارزه علیه رژیم نکبت بارج.ا. و حامیان آمریکائی و اسرائیلی آن را سازمان داد و هدفهای شوم آنها را افشا کرد.



می پردازد و در واقع ابراز نگرانی می کند و به سران ارگان های اطلاعاتی رژیم ج.ا. و ری شهری ها و لاجوردی ها هشدار می دهد که دیگر بار پیگرد و شکنجه و کشتار توده ای ها را تشدید کنند، چرا که این ققنوس در آتش سوخته باز هم از خاکستر خود سربرداشته و پرواز خجسته اش را در آسمان سربی کشور اوجی دیگر داده است. "راديو اسرائیل" که معمولا به بهانه پخش خبر به القاء نظرات و سیاست صهیونیسم می پردازد، مخصوصا بر "یکی از هدفهای اساسی" حزب، یعنی توقف جنگ ایران و عراق انگشت می گذارد و بدینسان نظر رژیم جنگ طلب را به نقش فزاینده حزب توده ایران در جنبش صلح جلب می کند. صهیونیسم اسرائیل که همانند متحدان امپریالیستش از ادامه جنگ بسود خویش بهره می گیرد و از جمله آن را ضامن فروش اسلحه به ج.ا. و تأمین کننده پیشبرد هدف های تجاوزگرانه اش علیه خلق های فلسطین و دیگر کشورهای عربی می داند، می کوشد ج.ا. را وادار تا صدای بالنده حزب ما را که در میان زحمتکشان بازتاب می یابد خاموش سازد. غافل از آنکه این آرزوی است خام. هرچند هم نیروهای سرکوبگر ج.ا. هشدار موساد را جدی بگیرند و فشار بر زندانیان سیاسی و توده ای ستیزی را تشدید کنند، حزب توده ایران از پای نخواهد نشست و در بستر جنبش انقلابی رو به گسترش کشور مبارزه خونینش را ادامه خواهد داد.

نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

سهامداران "بنیاد نبوت"

کیستند؟

وزیر امور اقتصادی و دارائی ج.ا. جزئیات دیگری از مسائل مربوط به "بنیاد نبوت" را فاش ساخت که قابل تامل است. او اعلام کرد که تحت پوشش "بنیاد نبوت" ۲۰ شرکت فاقد دفاتر رسمی "ظاهراً بصورت غیر انتفاعی فعالیت داشته‌اند" اما عنوان "غیر انتفاعی" برچسبی بیش نبوده و نیست و این شرکت‌ها "بدون پرداخت مالیات میلیاردی ریال سوء استفاده کرده‌اند".

مقام یادشده در زمینه محتوای دورغین برچسب "غیر انتفاعی" که شرکت‌های یادشده یدک می‌کشند حرف تازه‌ای را عنوان نکرده است. امروزه اغلب شرکت‌ها و "بنیاد"‌ها و "صندوق‌های قرض الحسنه" و غیره اعلام می‌کنند که غیر انتفاعی هستند و بدینوسیله می‌کوشند تا حتی الامکان از پرداخت مالیات شانه خالی کنند و بویژه با اتکاء به "شرع" دزدی‌ها و سوء استفاده‌های کلان با ارقام نجومی را توجیه کنند.

اما نکته مهم مورد اشاره وزیر امور اقتصادی و دارائی این است که برخی نهادهای ج.ا. سهامدار شرکت‌های زیر پوشش "بنیاد نبوت" بوده‌اند و "مواد اولیه" تحت اختیار خود را به شرکت‌ها می‌داده‌اند تا "به چند برابر قیمت در بازار آزاد" فروخته شود. "بطور مثال یکی از این شرکت‌ها مجتمع صنعتی و بازرگانی "پیام مبعث" است که خود را وابسته به خانواده شهدا معرفی کرده و از مقدسات مذهبی در سربرگ‌ها استفاده می‌کرده است."

آقای وزیر که از بیان صریح همه واقیعت وحشت دارد، اگرچه سرخ اصلی را، چنانکه اشاره شد، بدست می‌دهد، اما در عین حال تلاش می‌کند تا تمام کاسه کوزه‌ها را فقط بر سر شخصی بنام "سید علی موسوی قمی" که گویا "موس بنیاد نبوت" است بشکند و پای شرکای دیگر را در میان دولتمردان بانفوذ ج.ا. و در راس نهادهای سهامدار شرکت‌ها را، با این عنوان که گویا از نام آنها "سوء استفاده" می‌شده است، از معرکه بیرون بکشد. این در حالی است که خود او از "اعمال نفوذ" در "بنیاد نبوت" در توزیع و قیمت گذاری و فرار از پرداخت مالیات بانکاء همین مقامات و نهادها سخن می‌گوید. آیا این "مقامات" که نامی از آنها برده نمی‌شود، اما بدون تردید در میان سران بانفوذ و دولتمردان اسم و رسم دار ج.ا. می‌توان رد بسیاری از آنها را یافت، تا این اندازه سرشان در جاهای دیگر گرم بوده که مثلاً "بنیاد نبوت" با "سوء استفاده" از نامشان فقط در سال ۶۵ از پرداخت ۸ میلیارد و سیصد میلیون ریال مالیات سر باز زدند و آنها بی‌خبر مانده باشند؟ یا - لابد بدون آن که خود خیر داشته باشند - سهام شرکت بنامشان ثبت شده است. چطور می‌توان چنین دروغ‌هایی را باور کرد؟ ما برآنیم که "مقامات" مورد نظر وزیر امور اقتصادی و دارائی وج.ا. خواب

جنایات هولناک رژیم...

محلی بیافند، فقر و قحطی و بیکاری حاصل آن خواهد بود.

تردید نیست که وضع نابسامان اقتصادی در کشورهای آزاد شده افریقای پیامد سیاست استعماری و اینک نواستعماری امپریالیسم است که آنها را اکثراً به تولید تک محصولی مواد خام محکوم کرده تا سپس این مواد خام را به کشور مترویل ببرد و پس از بازاری دوباره برای فروش به مستعمرات و نیمه مستعمرات بازگرداند. و چون همه کشورهای آزاد شده در دوران انقلاب علمی - فنی می‌خواهند اقتصاد خود را بازسازی کنند، در شرایط بسیار نابرابر در مقایسه با کشورهای پیشرفته سرمایه داری قرار می‌گیرند و چه بسا با ناکامی روبرو می‌شوند. از اینروست که همه این کشورها خواهان بازسازی مناسبات اقتصادی میان کشورهای جهان بر پایه‌ای عادلانه هستند تا بتوانند از شر زائده کشورهای امپریالیستی در تولید مواد خام بودن خلاص شوند و سطح زندگی مردم خود را بالا ببرند.

برعکس امپریالیسم می‌کوشد با استفاده از اهرم‌های نیرومند مالی و اقتصادی که در دست دارد این کشورها را همچنان وابسته نگاه دارد و هر جا اهرم اقتصادی نتیجه لازم را نداد متوسل به نیروهای ضربتی خود نظیر نژادپرستان افریقای جنوبی می‌شود.

البته مقابله با نیروهای ضربتی امپریالیسم برای کشورهای نواستقلال افریقا کار ساده‌ای نیست ولی تردیدی وجود ندارد که با همیاری کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای مترقی و اُضد امپریالیست جهان خواهند توانست این دوران دشوار را از سر بگذرانند.

نبوده‌اند و نیستند، بلکه کاملاً در جریان مسائل بوده‌اند و هستند، اما خود رابه خواب خرگوشی زده‌اند و می‌زنند تا شرکایشان در امثال "بنیاد نبوت" و "صندوق‌های قرض الحسنه" و غیره کار چپاول بی بند و بار "خلق اله" را سامان دهند.

کسی که در جریان خبرهای مربوط به "بنیاد نبوت" و امثال آن و خرید سهام و غیره قرار می‌گیرد، بی اختیار بیاد دوران حکومت شاه می‌افتد که هر کدام از افراد خانواده سلطنتی ضمن آن که ریاست بنگاه‌ها و بنیادهای "خیریه" را یدک می‌کشیدند، سهامداره‌ها شرکت‌ها را در دست داشتند و به چپاول ثروت‌های ملی و دارویندار زحمتکشان می‌پرداختند. جالب است، حکومتی که داعیه "دفاع از مستضعفان" دارد و رهبران آن در این زمینه زیاد شعار می‌دهند، خود پایچای شاه و اطرافیان می‌گذارد و همان راه را در لفاظیه "مذهب" و "خانواده شهدا" و کارهای "غیر انتفاعی" دنبال می‌کند.

گفته‌های وزیر امور اقتصادی و دارائی ج.ا. دایر بر اینکه "بنیاد نبوت" درازا و واگذاری سهام شرکت‌های زیر پوشش خود به نهادها "مواد اولیه دریافت می‌کرده و سپس آنها را در بازار

"مخفی بازی" با وصیت نامه...

کردن وصیت نامه و نحوه ارسال آن به مجلس و مشهد در گرفت و رادیوی تهران آنرا پخش کرد خمینی در مورد نحوه مهر و موم یا پلمب کردن وصیت نامه و شیوه سپردن آن به جاهای یادشده، با هر چه که به او می‌گفتند موافقت می‌کرد. ولی با پافشاری و تاکید چندباره، خواهان بازگرداندن وصیت نامه قبلی خود بود تا مبادا کسی آنها را بخواند و با وصیت نامه کنونی مقایسه کند.

در سال‌های اخیر که خبرها و حدیث‌های مذهبی را از رسانه‌های گروهی بفرآوانی می‌توان شنید و در نشریات خواند، تا بحال خواننده و شنیده نشده که جایی نوشته و یا گفته باشند که بزرگان دین، از پیامبر گرفته تا امامان، با مخفی کاری، از خود وصیت نامه "سیاسی - الهی" باقی گذارده باشند که پس از مرگشان گشوده و خوانده شود. حتی پیامبر اسلام، آنطور که روحانیون حاکم همه ساله در روز عید غدیر تکرار می‌کنند، به هنگام معین کردن علی ابن ابیطالب.

بعنوان امام اول و جانشین خود اینکار را پس از حج الوداع بصورت علنی و در حضور اطرافیان انجام داد. پس چرا باید مثلاً مسئله "ولی فقیه" شدن یا نشدن آقای منتظری و چیزهای دیگری از این دست موضوع "مخفی کاری" و وصیت نامه "سیاسی" نوشتن شود؟

پایان ناگزیر و افشاح آمیز نظام "ولایت فقیه" در کشور ما ریشه در شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود در جهان و ایران دارد. با "نصیحت" و "وصیت" نمی‌توان جلوی سیر رویدادهای محتمل تاریخ را سد کرد.

آزاد به چند برابر قیمت می‌فروخته است "رسوایی رژیم را دوچندان می‌کند. رژیم که دم از مبارزه با گرانفروشی و تورم و تلاش برای توزیع عادلانه و قیمت گذاری کالاهای مورد نیاز مردم می‌زند، اداره کنندگان نهادهایش برای رسیدن به سودهای سرشار کالاهایی را که به حساب بودجه کشور و ارز حاصل از فروش نفت خریداری می‌شود، روانه "بازار آزاد" می‌کنند و در واقع خود در درده عاملان اصلی گسترش گرانی و تورم قرار می‌گیرند. آیا این است مفهوم "دفاع از مستضعفان" و "عدالت اسلامی"؟

وزیر امور اقتصادی و دارائی با اشاره به عده‌ای که "تحت عنوان اسلامی و در پوشش‌های مختلف... توانسته‌اند با سوء استفاده از خلا قانونی و یا جنگ به سودهای سرشار دست یابند" متذکر می‌شود: "در حال حاضر پدیده‌هایی بوجود آمده که بر اساس آن گروه‌های سیاسی و یا عناصر سیاسی برای فراهم آوردن آینده سیاسی خود پایگاه‌های اقتصادی ایجاد کرده‌اند تا با تغذیه مالی از این پایگاه‌ها به اهداف مورد نظر خود دست یابند". از این گفته‌ها چنین برمی‌آید که گویا تلاش "گروه‌ها و عناصر سیاسی" بقیه در ص ۵

اطلاعات بیشتر درباره شکنجه حیدر کوتلو و نیهت سارگین

معلوم می شود شبهه های "کار" در زندانهای ترکیه عضو "ناتو" و جمهوری "اسلامی" در محضر یک استاد واحد آموخته شده است.

ضمناً رئیس جمهور ترکیه که کشورش پایگاه مطمئن امپریالیسم آمریکاست، هر گونه علنی شدن احزاب مترقی در ترکیه را رد کرد و گفت شرایط کنونی اجازه تجدید نظر در قانون احزاب و علنی شدن فعالیت حزب کمونیست ترکیه را نمی دهد.

ولی البته قوانین این کشور عضو "ناتو"، که همراه بقیه همیمانان خود کبابه دفاع از حقوق بشر در سراسر جهان را می کشد اجازه بستن چشم زندانی، شلاق زدن، آویزان کردن، دادن شوک الکتریکی، تزییق داروهای روانگردانی و انواع جنایات دیگر را می دهد.

رفقا حیدر کوتلو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه، و نیهت سارگین، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگر ترکیه، که در ماه نوامبر به میهن خود بازگشتند و بلافاصله به بازداشتگاه انتقال یافتند، اینک در نامه ای خطاب به دادستانی دولتی ترکیه به بازداشت خود اعتراض کرده اند. در نامه آمده است که حیدر کوتلو را مجبور کرده اند با چشمان بسته و پادستهای زنجیر شده به دسته های یک صدلی، ده شبانروز روی آن بنشینند. مامورین پلیس هر دو دبیر کل را بپاد کتک گرفته اند، نگذاشته اند بخوابند و با شوک الکتریکی آنانرا آزار داده اند. ضمناً بطور منظم به کوتلو و سارگین داروهای روان تزییق می کرده اند که می بایست اراده آنانرا بشکنند.

پنج هزار نفر اعلام کرد. یاس عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در مورد رویدادهای هفته گذشته گفت: "این رویدادها مقاومت در برابر اشغالگران است و طبق منشور و قطعنامه سازمان ملل متحد هر خلقی که با سرکوب و اشغال روبروست، حق دارد با استفاده از تمام وسایل مقاومت کند." یاس عرفات همچنین گفت: "ما می خواهیم شورای امنیت این تروریسم رسمی سازمان یافته را... محکوم کند و راهها و وسایل حفاظت از خلق ما را بپاید." اتحاد شوروی در مورد این رویدادها اعلام کرد که این اقدامات به تروریسم دولتی تبدیل شده است و اتحادیه عرب اسرائیل را به "اجرای تاکتیکهای ددمشانه و ضد انسانی" متهم کرد.

خالد الحسن، عضو کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین، در مورد چگونگی تحولات آینده گفت: "مقاومت ادامه خواهد یافت. فکر می کنم رویدادهای کنونی در ساحل غربی و غزه مقدمه ای است برای سرپیچی و مقاومت سراسری." طبق آخرین گزارشها در غزه و ساحل غربی رود اردن اعتصاب ادامه دارد و در بخش عرب نشین شرق اورشلیم نیز دختران دانش آموز تظاهرات کرده اند و درگیریهای روی داده است.

در جنوب لبنان تانکهای نیروهای اسرائیل با همکاری ارتش دست نشانده جنوب لبنان به آبادیهای کیلیا، مرکبه و میدون حمله کردند.

ماتجاوز و کشتار اخیر مردم فلسطینی را توسط نیروهای اسرائیل بشدت محکوم می کنیم و خواستار تشکیل کنفرانس بین المللی با شرکت همه طرفهای درگیر از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین، یگانه نماینده قانونی و برحق خلق فلسطین برای حل قطعی و ریشه ای مسئله فلسطین و بحران خاورمیانه و نزدیک هستیم.

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

NAMEH
MARDOM
NO: 186

22 Dec. 1987

هفته خونین غزه و ساحل غربی رود اردن

رویدادهای خونین هفته گذشته در غزه و ساحل غربی رود اردن از نظر گسترش جنبش توده ای خلق فلسطین در بیست سال گذشته بی سابقه بوده است. در این دو ناحیه مردم فلسطین در اعتراض به حضور نیروهای امنیتی ارتش اسرائیل و ادامه اشغال سرزمینهای خود اعتصاب عمومی کردند و تظاهرات وسیعی براه انداختند. جوانان فلسطینی در خیابانهای غزه و ساحل غربی رود اردن سنگر بندی کردند و با سنگ و چوب در برابر گلوله های سربازان اسرائیل ایستادند.

طبق اطلاع رسیده از حزب کمونیست فلسطین "در سرزمینهای فلسطین که در اشغال اسرائیل است، وضعیت فوق العاده وخیمی حکمفرماست... فقدا در یک روز در هفته گذشته ۷ نفر در اردوگاه پناهندگان بالاتا واقع در ساحل غربی (رود اردن) کشته شدند. در روز ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر ۶۶) ۴۵ نفر توسط سربازان اسرائیل بشدت زخمی شدند... اردوگاههای پناهندگان، موسسات آموزشی و حتی مراکز عبادت نظیر مساجد بطور مرتب توسط سربازان سنگین اسلحه اسرائیلی محاصره می شود."

طبق گزارشهای دیگر در چند مورد سربازان در بیمارستانها گلوله های پلاستیکی شلیک کردند و تظاهر کنندگانی را که در آنجا پناه گرفته بودند

جنایات هولناک رژیم جمهوری افریقای جنوبی

باند های آدمکش مزدور نژادپرستان افریقای جنوبی، در هفته های اخیر دست به جنایات مدھشی علیه اهالی غیر نظامی بویژه در موزامبیک و زیمبابوه زده اند. در عین حال ارتش رژیم نژادپرست مورد حمایت امپریالیسم امریکا نیز به جنوب آنگولا تجاوز کرده و می کوشد از شکست قطعی دارودسته "اونیتا" بسرکردگی ساویمبی، مزدور رسوای نژادپرستان افریقای جنوبی و امپریالیسم جلوگیری کند. در خود افریقای جنوبی هم فشار اقلیت نژادپرست سفید پوست بر اکثریت قاطع اهالی و صاحبان اصلی آن سرزمین روز بروز تشدید می گردد.

در تمام کشورهای خط مقدم جبهه در افریقای جنوبی: آنگولا، موزامبیک، بتوانا، زامبیا و زیمبابوه سیاست بی ثبات کردن وضع که توسط امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، تدوین شده بدست متحد استراتژیستش در منطقه یعنی جمهوری نژادپرست افریقای جنوبی پیاده می شود. در نتیجه روزی نیست که خون اهالی غیر نظامی در روستاها، جاده ها و واحدهای تولیدی بیرون از شهرها، بویژه در موزامبیک و زیمبابوه، آنهم بصورتی فوق العاده وحشیانه و غیر انسانی همراه با قتل عام زنان و

کودکان و پیران بر زمین ریخته نشود.

همین چند روز پیش بود که پرزیدنت ریگان در نقش "دادستان کل جهانی" برای حفظ "حقوق بشر" می کوشید از اینکه مثلا اتحاد شوروی به فلان شهروند یهودی خود که حامل اسرار دولتی است، اجازه مهاجرت به اسرائیل را نمی دهد سوء استفاده کند و با خلاصه کردن حقوق بشر در آزادی مهاجرت، غرب امپریالیستی را بزرگترین مدافع "حقوق بشر" معرفی کند.

شایان توجه است که اسرائیل، دیگر متحد استراتژیست ایالات متحده هم اینروزها با کشتار خونینی که در میان فلسطینی های مناطق اشغالی باریکه غزه و ساحل غربی رود اردن براه انداخته است، جنبه دیگری از رعایت حقوق بشر به شیوه امریکائی را نشان می دهد.

کشورهای امپریالیستی غرب با سوء استفاده از مشکلات عدیده میراث دوران استعمار در کشورهای افریقای می کوشند به این بهانه که گویا وضع زندگی مادی سیاه پوستان در جمهوری افریقای جنوبی بهتر از کشورهای مستقل جنوب افریقا است، نژادپرستی و تبعیض نژادی را توجیه کنند و وانمود کنند که اگر کارها بدست اهالی بقیه در ص ۷

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است